

رقص شمشیرهای طلایی؛ درس نامه محمد رهبری

مقدمه

ایران با تمرکزی که روی رشته شمشیربازی گذاشته، توانسته به جمع هشت تیم برتر دنیا صعود کند. استان گیلان هم جزو استان‌های پیشرو در آموزش شمشیربازی است و در جمع شش استان برتر کشور قرار دارد؛ اما این اتفاقات تا پانزده سال پیش معنایی نداشت و این رشته نه تنها در استان گیلان، بلکه در سراسر کشور خیلی شناخته شده نبود.

امروزه به سبب نبودن رشته شمشیربازی در ایران، اگر کسی با علاقه و تلاش این رشته را انتخاب کند، با سرعت بیشتری پیشرفت کرده و جذب تیم‌های مختلف خواهد شد.

محمد رهبری کسی بود که در شانزده سالگی، مانند تمام نوجوان‌های پرنرژی در رشته‌های ورزشی مختلف مثل والیبال، فوتبال، کشتی و...، بخت خودش را آزمود؛ اما شور و هیجانی را که به دنبالش بود، در شمشیربازی پیدا کرد.

روایت محمد رهبری

محمد رهبری متولد سال ۱۳۷۰ است. در محله جماران رشت به دنیا آمد. از همان دوران کودکی شیطنت بسیاری داشت. تابستان‌ها که مدرسه تعطیل بود، از صبح زود تا شب در کوچه بود. اهل محل از دست او و هم‌سالانش عاصی بودند. سال ۱۳۷۶، اولین کلاس ورزشی که رفت فوتبال بود. به خاطر بازی خوبش به تیم دخانیات دعوت شد. در باشگاه گل‌سار هم بازی کرد و بعد از فوتبال به سایر رشته‌ها قدم گذاشت:

خستگی برایم بی‌معنی بود. از فوتبال تا تکواندو، بسکتبال، شطرنج، کاراته، والیبال، همه را آزمایش کردم. در تمام مسابقات مدرسه شرکت می‌کردم؛ حتی رشته‌هایی که چیزی از آن‌ها نمی‌دانستم؛ مثلاً در رشته بدمینتون یا تنیس روی میز و حتی کشتی به مسابقه می‌رفتم و معمولاً به خاطر آمادگی بدنی که داشتم، مقام می‌آوردم. در مسابقات سطح استان یا بین‌شهری مقام‌های زیادی کسب کردم.

هرقدر زمان می‌گذشت جست‌وجوی بیشتری می‌کرد تا ورزش مورد علاقه‌اش را پیدا کند. سال ۱۳۸۶، شانزده‌ساله بود که هنگام بازگشت از تمرین والیبال، با یکی از دوستانش روبه‌رو شد:

شانزده سالم بود و در مقطع راهنمایی درس می‌خواندم. یک روز که از والیبال برمی‌گشتیم، دوستم گفت که در رشته شمشیربازی هم ثبت‌نام کرده. من که تا آن روز اسم شمشیربازی را هم نشنیده بودم، توجهم خیلی جلب شد. وقتی که از اسلحه‌های سه‌گانه شمشیربازی و سالن و لباس مخصوصش برایم تعریف کرد، خیلی کنجکاو شدم.

تمام مسیر بازگشت به خانه را به فکر شمشیربازی بودم. موضوع را با پدر و مادرش در میان گذاشت. آن‌ها مثل همیشه حمایت کردند. محمد در تست‌های شمشیربازی شرکت کرد و قبول شد. به دلیل ویژگی‌های جسمانی‌اش، اسلحه سابر را به او پیشنهاد دادند و او هم در این رشته ورزشی پاگیر شد.

در هیئت شمشیربازی به او رشته سابر را پیشنهاد دادند که با روحیه و آمادگی جسمانی بالای او هماهنگ بود. تلاشش در این رشته بسیار زیاد بود. مربی‌ها از او راضی بودند و خیلی زود پیشرفت کرد:

با علاقه خاصی، هر تکنیک را یاد می‌گرفتم و ساعت‌ها تمرین می‌کردم. این مسئله باعث شد که به سرعت پیشرفت و خیلی زود به مسابقات کشوری راه پیدا کنم. همان بدو ورودم به باشگاه، در یکی از مسابقات نوجوانان شرکت کردم. در مسابقه، با عشق و علاقه خاصی شمشیر می‌زدم. مربی تیم ملی که مبارزه من را دید، خوشش آمد و به تیم ملی دعوتم کرد.

ایران در آن زمان رتبه ۲۷ جهانی را داشت؛ یعنی جزو آخرین تیم‌های مسابقات بود و کسی به حسابش نمی‌آورد. در این مقطع، او در مسابقات آسیایی شرکت کرد و صاحب مدال شد. بعد از مسابقات آسیایی، در انتخابی المپیک ۲۰۱۶ شرکت کرد:

در این مسابقات، هر تیم حدود ده مسابقه با تیم‌های مختلف پیش‌رو داشت. رتبه‌بندی همه مسابقات با هم محاسبه می‌شد و هر تیم امتیاز بالاتری کسب می‌کرد، سهمیه المپیک می‌گرفت.

از ۲۱۰ کشوری که در مسابقه شرکت کرده بودند، اسرائیل فقط یک نماینده داشت. مسابقات به شکل گروهی بین ۲۲۰ نفر برگزار و بعد از آن به صورت حذفی انجام می‌شد؛ به این شکل که اگر در مسابقه‌ای می‌باختیم، حذف می‌شدیم. من رنکینگ ۲۰ بودم و متأسفانه خوردم به اسرائیل. انصراف دادم و با این اتفاق، امتیازم صفر شد! باز مسابقه دادم و آمدم بالا و امتیازم به ۲۲ رسید؛ دوباره به اسرائیل خوردم و امتیازم صفر شد!

خیلی عجیب بود. در آن مسابقه چهار بار به اسرائیل خوردم و هر بار هم مدام امتیازم صفر شد. این شد که دیگر نتوانستم سهمیه المپیک را به دست بیاورم.

خیلی ناراحت بود. چند سال برای رفتن به المپیک تلاش کرده بود؛ اما رویارویی با اسرائیل همه آرزوها را از بین برد:

روزهای اول ناراحت بودم و مدام با خودم فکر می‌کردم چرا حذف شدم؛ در حالی که رتبه کشورمان به هشت تیم اول جهان رسیده بود. اما از یک جهت خوش حال بودم؛ چون به آرمان‌های کشورم احترام گذاشته بودم و با یک کشور جعلی مسابقه نداده بودم. همیشه هدفم این بوده که بتوانم پرچم کشورم را بالا ببرم. خط‌قرمزهای کشورم، خط‌قرمزهای من است و اسرائیل هم از نظر من غاصب است. ما هم از طرف تیم ملی ایران هستیم و با یک رژیم‌ی که به دروغ خودش را کشور می‌داند، مسابقه نمی‌دهیم. برای همین اعتقادم، خودم را خیلی زود جمع‌وجور کردم و آماده مسابقه بعدی شدم که قرار بود دو ماه بعد در سنگال برگزار شود.

این بار سنگال منتظر محمد رهبری بود. مسابقات جهانی سال ۱۳۹۴ در آنجا برگزار می‌شد. اولین بارش بود که به یک کشور آفریقایی سفر می‌کرد. با خوردن اولین وعده غذایی مسموم شد و در هتل تب‌ولرز و دل‌پیچه شدیدی گرفت؛ اما زمان مسابقه حالش بهتر شد و خوب مسابقه داد:

با تمام انگیزه و توانم جنگیدم و با بچه‌های تیم، کشورهایی را شکست دادیم که یک زمان در خواب هم نمی‌دیدیم از آن‌ها امتیاز بگیریم. کشورهایی مثل ایتالیا، مجارستان، کره و حتی آمریکا را بردیم. تیم‌هایی را که یک عمر در شمشیربازی سلطنت می‌کردند و همیشه اول تا سوم جدول بودند بردیم و برای اولین بار، قهرمان شدیم. بعد از دست‌دادن سهمیه المپیک، این طلا خیلی برایم لذت‌بخش بود.

محمد رهبری در مسابقات بعدی هم خوش درخشید و توانست مدال‌های طلای دیگری را هم به دست بیاورد. در کنار تیم ایران نیز توانست عنوان چهارمی را به دست بیاورد. او درباره پیروزی‌هایش این‌طور صحبت می‌کند:

در تمام مسابقاتی که مدال آورده‌ام، پرچم مقدس کشورمان را بر دوش گرفته و به سمت جایگاه رفته‌ام. می‌خواستم با این کار به تمام مردم جهان اعلام کنم که زیر این پرچم خدمت می‌کنم و هرچه به دست آورده‌ام از این پرچم و از این مردم دارم. وقتی در

مسابقات برنده می شویم و پرچممان بالا می رود و سرود ملی مان را می خوانیم، حداقل ۱۵۰ کشوری که در مسابقات حضور دارند، باید سکوت کنند و این سرود را بشنوند و احترام بگذارند؛ کاری که وقتی یک رئیس جمهور به کشور دیگری می رود برایش انجام می دهند. به خصوص حالا که بعضی از کشورهای دنیا با ما مشکل دارند، می توانیم قدرتمان را این طوری به رخشان بکشیم. خیلی حس خوبی دارد وقتی سرود ملی را برایت پخش می کنند و تو این قدرت را داری که توانسته ای کاری کنی که همه دنیا در سکوت به سرود کشورت گوش کنند و به تو و کشورت احترام بگذارند.

اهداف درس نامه

۱. معرفی رشته ورزشی شمشیربازی و رشد قابل توجه ایران در این رشته؛
۲. معرفی شخصیت محمد رهبری به دانش آموزان؛
۳. آشنایی با روحیه کشور دوستی و ظلم ناپذیری محمد رهبری و الگو قرار دادن او برای دانش آموزان؛
۴. آشنایی دانش آموزان با ورزش قهرمانی.

برای رسیدن به این اهداف پیشنهاد می شود

۱. یکی از مربیان استان درباره ورزش شمشیربازی برای دانش آموزان صحبت کند؛
۲. یکی از ورزش کاران شمشیربازی تجهیزات این رشته را به کلاس آورده و انواع شمشیرها و تجهیزات این رشته را به بچه ها معرفی کند؛
۳. یکی از مربیان درباره جعلی بودن کشور اسرائیل برای دانش آموزان صحبت کرده و دلایل مخالفت جمهوری اسلامی با این کشور را تبیین کند؛
۴. از آقای رهبری دعوت کنید با مدال ها و حکم هایشان در کلاس حاضر شده و افتخاراتش را برای بچه ها بیان کند؛
۵. دانش آموزان می توانند در قالب اردو به سالن تمرینات رشته شمشیربازی رفته و این ورزش را از نزدیک ببینند.

تکالیف

۱. دانش‌آموزان درباره رشته‌های مختلف شمشیربازی تحقیق کرده و نتیجه را در کلاس ارائه دهند؛
۲. دانش‌آموزان درباره تحریم مسابقه با اسرائیل توسط ورزشکاران مسلمان تحقیق کرده و نتیجه را در کلاس درس ارائه دهند؛
۳. دانش‌آموزان با موضوع «رؤیای قهرمانی» انشا بنویسند.